

جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران*

یعقوب فروتن**

چکیده: جامعه‌پذیری جنسیتی عمدتاً در دوران کودکی و سنین مدرسه شکل می‌گیرد و به تدریج در ذهن و رفتارهای اجتماعی درونی و متبلور می‌شود. بدین ترتیب، مدارس و کتاب‌های درسی به‌عنوان اولین و مؤثرترین مرجع رسمی آموزش و انتقال انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی، نقشی مهم در تکوین و توسعه‌ی هویت جنسیتی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند. در این تحقیق با استفاده از تکنیک تحلیل محتوی، کلیه‌ی کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ به تفکیک پایه‌ی تحصیلی و عنوان کتاب درسی مطالعه می‌شوند. در مجموع مطابق یافته‌های این تحقیق، فراوانی اسامی و تصاویر مردان غلبه‌ی چشم‌گیری بر اسامی و تصاویر زنان دارد. این نوع سوگیری جنسیتی در واژه‌های کلیدی مرتبط با جنس مذکر و مؤنث (مانند کلمات مرد و زن، پسر و دختر)، الگوها و ویژگی‌های کارهای داخل و خارج خانه، ترکیب بُعد خانواده بر حسب جنس فرزندان، و فعالیت‌های ورزشی نیز وجود دارد. نکته‌ی مهم‌تر آن که، غالباً همبستگی مستقیم و معناداری بین پایه‌ی تحصیلی و این نوع سوگیری‌های جنسیتی مشاهده می‌شود. به‌علاوه، تفاوت‌های کم‌ایش مهمی در خصوص چگونگی بازنمایی برخی از نقش‌های جنسیتی به تفکیک عنوان کتاب‌های درسی نیز وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌پذیری جنسیتی، هویت جنسیتی، کتاب درسی، اشتغال زنان، بعد خانواده.

مقدمه و طرح مسئله

جامعه‌پذیری جنسیتی^۱، فرایندی دامنه‌دار است که در طول زندگی افراد به تدریج شکل می‌گیرد و به ابعاد گوناگون زندگی آنان جهت و معنا می‌دهد. با این همه، فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی عمدتاً در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و در سنین بالاتر در ذهن و رفتارهای اجتماعی، تثبیت و نهادینه می‌شود. والدین، سایر اعضای خانواده و خویشاوندان، گروه دوستان و هم‌سالان نقشی بسیار مهم در

* مؤلف از همکاری دانشجویان کارشناسی ارشد خانم‌ها معصومه محمودیان، فاطمه آریون و الهه اقراریان در گردآوری داده‌های این تحقیق تشکر و قدردانی می‌نماید.

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر؛ یادآور می‌شود که مؤلف در حال حاضر، دوره‌ی فوق دکتری را در دپارتمان مطالعات جمعیتی دانشگاه ویکتوری نیوزیلند می‌گذراند. y.foroutan@umz.ac.ir & y_foroutan@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲

1. Gender Socialization

جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی ایفا می‌کنند. انسان‌ها حتی از همان سنین ابتدایی زندگی خود نیز یاد می‌گیرند که هر یک از دو جنس مرد و زن، وظایف و نقش‌های متفاوت را بر عهده می‌گیرند. در واقع بچه‌ها حتی قبل از ورود به مدرسه الگوهای رفتاری متفاوتی را درباره‌ی نقش‌های جنسیتی از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون، فیلم‌ها، اسباب‌بازی‌ها، نوع و رنگ وسایل و لباس‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد (مثلاً رنگ صورتی برای دختر بچه‌ها) یاد می‌گیرند و در بازی‌های کودکانی خود آن‌ها را تمرین می‌کنند (فرید، ۱۹۸۲؛ گودن و گودن، ۲۰۰۱)^۲. در عین حال، مدارس اولین و مؤثرترین جایگاه و مرکزی تلقی می‌شوند که به‌طور رسمی در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی کودکان و نوجوانان عمل می‌کنند. به‌طور کلی ضرورت و اهمیت این‌گونه مطالعات و تحقیقات ریشه در نقش کلیدی کتاب‌های درسی مدارس دارد که اولین منبع اصلی و رسمی در انتقال ارزش‌های جامعه به دانش‌آموزان (آرپوتنوت^۳، ۱۹۸۴) و یک موتور محرکه‌ی بسیار قدرتمند در فرایند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی کودکان و نوجوانان محسوب می‌شوند (بریتون و لامپکین، ۱۹۷۷؛ بندر و لئون، ۱۹۸۹؛ لی و کولینز، ۲۰۰۸)^۴. بدین ترتیب شناخت و آگاهی بچه‌ها از انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی جامعه نسبت به جنسیت از سن پایین شروع می‌شود و به‌تدریج این انتظارات و استانداردها را در مورد خودشان نیز به‌کار می‌گیرند. بنابراین همان‌گونه که تاپلور (۲۰۰۳) نیز خاطر نشان می‌سازد، باید این پرسش کلیدی را مطرح کرد که کتاب‌های درسی مدارس چه چیزهایی را در باره‌ی جنسیت به کودکان و نوجوانان ما یاد می‌دهند. گفتنی است که ضرورت طرح چنین پرسشی و انجام چنین تحقیقاتی در برخی کشورها از جمله کشور ما به‌مراتب بیشتر است زیرا نظام آموزشی چنین کشورهایی اساساً در یک چارچوب کتاب‌محوری محدود می‌شوند و به همین علت، کتاب‌های درسی مدارس نقشی به‌مراتب مهم‌تر در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. به‌علاوه، با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در کتاب‌های درسی مدارس پدید آمده است (ایمانی و مظفر، ۱۳۸۳؛ افشانی و همکاران، ۱۳۸۸)، ضرورت دارد که تحقیقات و مطالعات جدیدتر نیز در خصوص محتوای کتاب‌های درسی از جمله در زمینه‌ی چگونگی انعکاس هویت و نقش‌های جنسیتی در این کتاب‌ها انجام شود.

۲. Fried; Gooden and Gooden

۳. Arbutnot

۴. Britton and Lumpkin; Bender and Leone

در همین زمینه مطالعه‌ی ادبیات تحقیق نشان‌دهنده‌ی چند الگوی اساسی است. اول آن‌که، مطالعات انجام‌شده در بسیاری از نقاط مختلف جهان نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی، کلیشه‌های جنسیتی و تفکرات قالبی در خصوص نقش‌های جنسیتی به شکل‌های گوناگون و درجات مختلف انعکاس می‌یابد: زنان عمدتاً در قالب نقش‌های سنتی و انجام فعالیت‌های خانگی، اما مردان بیشتر در قالب نقش‌های غیرسنتی و انجام فعالیت‌های خارج از خانه به تصویر کشیده شده‌اند (ویترمن و هم‌کاران، ۱۹۷۲؛ کولینز و همکاران، ۱۹۸۴؛ بلونت، ۱۹۹۰؛ کراب و بیلاوسکی، ۱۹۹۴؛ سامسون، ۱۹۹۸؛ لوو و شرارد، ۱۹۹۹؛ چونگ، ۲۰۰۰؛ صداقت و زاهد، ۱۳۷۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۶؛ مجتهدی، ۱۳۸۱؛ مقصودی، ۱۳۸۳؛ حجازی، ۱۳۸۵؛ رضوی و نظرعلی، ۱۳۸۵؛ افشانی و هم‌کاران، ۱۳۸۸).^۵ ضمن آن‌که نه تنها تفاوت‌های جنسیتی کتاب‌های درسی و منابع آموزشی در سطح مدارس باقی نمانده، بلکه دامنه‌ی آن به متون علمی سطوح عالی دانشگاهی و رشته‌های علمی تخصصی کشیده شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به تحقیقات الدر^۶ و هم‌کاران (۱۹۸۸) درباره‌ی کتاب‌های آموزشی رشته‌ی تخصصی بیماری‌های زنان، مطالعات واتکینس^۷ (۱۹۹۳) درباره‌ی یکی از معتبرترین مجلات بین‌المللی در حوزه‌ی تخصصی جمعیت‌شناسی تحت عنوان «دموگرافی» و تحقیقات سوگار^۸ و هم‌کاران (۲۰۰۲) درباره‌ی منابع مرجع و مقاله‌های علمی مجلات رشته‌ی تخصصی پیری‌شناسی^۹ اشاره کرد. دوم آن‌که، تجزیه و تحلیل ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر الگوهای مربوط به ارائه‌ی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی در مقایسه با دوره‌های گذشته دست‌خوش تغییرات اساسی شده است (هیگینس^{۱۰} و شعارغفاری؛ گودن و گودن، ۲۰۰۱؛ افشانی و هم‌کاران، ۱۳۸۸). سوم آن‌که، مطالعه‌ی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های قابل ملاحظه در راستای «بی‌طرفی جنسیتی»^{۱۱} (وایتلی^{۱۲}، ۱۹۹۶)، کلیشه‌های جنسیتی کماکان در کتاب‌های درسی غلبه دارند (پیترسون و لاج^{۱۳}، ۱۹۹۰؛ کورتنهاوس و دمارست^{۱۴}، ۱۹۹۳؛ اونس و داویس، ۲۰۰۰؛ صادقی

5. Weitzman; Blount; Crabb and Bielawski; Samson; Low and Sherrard; Chung

6. Elder

7. Watkins

8. Sugar

9. Gerontology

10. Higgins

11. Gender fairness

12. Whiteley

13. Peterson and Lach

14. Kortenhaus and Demarest

جعفری، ۱۳۸۷؛ که آندرسون و همیلتون^{۱۵} (۲۰۰۵) آنرا در قالب اصطلاح «پدر نامرئی»^{۱۶} و لی و کولینز (۲۰۰۸) آنرا «پدیده‌ی تقدم مرد» یا پدیده‌ی «اول، مرد»^{۱۷} معرفی کرده‌اند.

بر همین اساس، هدف اساسی و محوری در این تحقیق این است که با استفاده از جدیدترین کتاب‌های درسی مدارس، یافته‌های جدیدتر و مفصل‌تری را در راستای پاسخ‌گویی به پرسش کلیدی این تحقیق ارائه نماید که «کتاب‌های درسی مدارس چه چیزهایی را درباره‌ی جنسیت به کودکان و نوجوانان یاد می‌دهند؟» بدین ترتیب این تحقیق در نظر دارد تا با ارائه‌ی نتایج جدیدتر و تفصیلی‌تر، زمینه‌ای مناسب برای مقایسه با یافته‌های تحقیقات پیشین در این حوزه‌ی مطالعاتی نیز فراهم آورد. علاوه بر این، همچنان که در بخش مبانی نظری تحقیق بحث می‌شود، کتاب‌های بچه‌ها در سنین دبستان نقشی تعیین‌کننده‌تر در تکوین و شکل‌گیری شخصیت و هویت به‌ویژه هویت جنسیتی آنان دارند. به همین دلیل این تحقیق قصد دارد تا به‌طور مشخص، نقش و جایگاه کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی را در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی بچه‌ها مطالعه کند.

با این همه (در مقایسه با تحقیقات پیشین) در این تحقیق کلیه‌ی کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی -دوره‌ای که قاعده‌ی هرم دوره‌های تحصیل تلقی می‌شود- به تفکیک هر یک از پایه‌های تحصیلی و همچنین بر حسب هر یک از عناوین کتاب‌های درسی تجزیه و تحلیل خواهد شد زیرا یکی دیگر از اهداف این تحقیق این است که روند تغییرات و تحولات مربوط به چگونگی بازنمایی الگوهای مربوط به نقش‌های جنسیتی را بر حسب پایه‌ی تحصیلی و عنوان کتاب درسی شناسایی و ارائه نماید.

مبانی نظری

از دیدگاه صاحب‌نظران تئوری جامعه‌پذیری جنسیتی (ریچاردسون^{۱۸}، ۱۹۷۷، اونس و داویس، ۲۰۰۰، تایلور، ۲۰۰۳)، جنسیت یک عنصر اساسی محسوب می‌شود که نه تنها از طریق آن ما انسان‌ها جهان اجتماعی و جایگاه خود را در آن درک می‌کنیم، بلکه در شکل‌گیری احساسات و افکار و رفتارها و کنش‌های ما با همدیگر، از زمان ولادت تا مرگ، نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند. انسان‌ها از همان کودکی یاد می‌گیرند که

15. Anderson and Hamilton

16. The invisible father

17. The male-first phenomenon

18. Richardson

جامعه‌انتظارات و استانداردهای متفاوتی از دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها دارد. تایلور (۲۰۰۳)، این انتظارات و استانداردهای متفاوت را اصطلاحاً «کدهای جنسیتی»^{۱۹} می‌نامد و معتقد است که در واقع، ایدئولوژی جنسیتی جامعه از طریق همین کدهای جنسیتی (یعنی مجموعه‌ای منظم از علائم و نشانه‌ها) درونی می‌شود. به عقیده‌ی صاحب‌نظران این تئوری، مدارس - به‌عنوان مراکز رسمی آموزش کودکان و نوجوانان - نقشی تعیین‌کننده در جامعه‌پذیری آن‌ها ایفا می‌کنند. در واقع، مدارس یک تجربه‌ی اجتماعی هستند که در آن‌ها نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی منتقل می‌شوند و کتاب‌های درسی به‌طور عام از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که این کار انتقال را بر عهده دارند و به‌طور خاص نیز یک مکانیسم فرهنگی مهم برای آموزش نقش‌های جنسیتی به بچه‌ها محسوب می‌شوند. به‌علاوه، در تئوری کنش متقابل نمادی نیز بر نقش کلیدی جنسیت در شکل‌گیری شناخت و کنش‌های متقابل انسان‌ها با همدیگر تأکید شده است.

جورج هربرت مید^{۲۰} (۱۹۳۴)، یکی از صاحب‌نظران شاخص این تئوری، معتقد است که بچه‌ها از طریق زبان و کنش متقابل به یک «خود اجتماعی»^{۲۱} دست می‌یابند. در واقع، زبان مانند مکانیسمی است که انسان‌ها به کمک آن قادر می‌شوند جهان پیرامون خود را درک کنند (ساپیر، ۱۹۲۹؛ وورف، ۱۹۵۶)^{۲۲}. بنابراین با توجه به نقشی که زبان در فهم واقعیات موجود دارد، باید دید که بچه‌ها از زمانی که خواندن را یاد می‌گیرند، باید چه چیزهایی درباره‌ی جنسیت بیاموزند. به عقیده‌ی صاحب‌نظران این تئوری، از سنین ۴ تا ۷ سالگی آگاهی و شناخت بچه‌ها از جنسیت به‌عنوان یک عنصر اساسی «خود» شروع می‌شود و کتاب‌های کودکان نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری این شناخت ایفا می‌کنند. در واقع، مطابق این تئوری، کتاب‌های بچه‌ها یک جهان کوچکی از فرهنگ جامعه را ارائه می‌دهد که بچه‌ها از طریق آن با ارزش‌ها و اعتقادات جامعه از جمله در خصوص نقش‌های جنسیتی آگاهی می‌یابند.

بدین ترتیب وقتی بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه بخوانند، با زوایای مختلف فرهنگ جامعه نیز آشنا می‌شوند. بنابراین از دیدگاه این صاحب‌نظران، یادگیری خواندن بخشی از فرایند جامعه‌پذیری و مکانیسمی مهم محسوب می‌شود که از طریق آن فرهنگ جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (مید، ۱۹۳۴؛ بم^{۲۳}،

19. Gender codes

20. G. H. Mead

21. Social self

22. Sapir; Whorf

23. Bem

۱۹۸۱؛ تایلور، ۲۰۰۳). در تئوری «مدل (یا طرح‌واره) جنسیتی»^{۲۴} نیز تأکید می‌شود که بسیاری از ویژگی‌هایی که به زنان و مردان نسبت داده می‌شوند، ریشه‌ی زیست‌شناختی ندارند و اکتسابی هستند. مطابق این تئوری، بچه‌های کم سن و سال یک حس و درک از مردانگی (مرد بودن) و زنانگی (زن بودن) را در درون خود ایجاد می‌کنند که مبتنی بر مجموعه‌ای از کلیشه‌های سنتی و تفکرات قالبی درباره‌ی نقش‌های جنسیتی است و در زندگی آینده، اندیشه و رفتار خودشان را نیز بر همین اساس تنظیم و هدایت می‌کنند (بیم، ۱۹۸۴؛ ایگلی و وود^{۲۵}، ۱۹۹۹). در این میان، کتاب‌های بچه‌ها نیز می‌توانند یک منبع مهم در ایجاد چنین حس و درک جنسیتی باشند که در این صورت، در نهایت منجر می‌شود که حتی رفتار بچه‌ها نیز مبتنی بر مجموعه‌ای از تفکرات قالبی و سنتی درباره‌ی نقش‌های جنسیتی باشد (جونز، ۱۹۸۱؛ فوکس، ۱۹۹۳؛ ناراهارا، ۱۹۹۸)^{۲۶}.

علاوه بر این، از دیدگاه صاحب‌نظران معاصر تئوری جنسیت^{۲۷} (ماسی و هم‌کاران، ۱۹۹۳؛ حکیم، ۱۹۹۶؛ ریلی، ۱۹۹۸؛ آنکر، ۱۹۹۸؛ ریلی و مک کارتی، ۲۰۰۳)^{۲۸}، نظام آموزشی یک جامعه نقش اصلی را در تعریف و تفکیک نقش‌های جنسیتی بر عهده دارد. مطابق این تئوری، امروز تفاوت دو مفهوم جنس و جنسیت^{۲۹} دامنه‌ای گسترده‌تر را در بر می‌گیرد. به عقیده‌ی این صاحب‌نظران، در تعاریف کلاسیک مفهوم «جنس» بر جنبه‌های بیولوژیک و جسمانی تفاوت‌های مرد و زن (مانند کروموزوم‌ها، هورمون‌ها و خصوصیات ثانویه‌ی جنسی)، و مفهوم «جنسیت» بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی مرتبط با تفاوت‌های بین مردان و زنان دلالت دارد. در حالی که امروز از دیدگاه صاحب‌نظران این تئوری، نکته‌ی به‌مراتب مهم‌تر این است که اساساً چگونه چنین تفاوت‌هایی در جامعه شکل می‌گیرند و سازمان‌دهی می‌شوند. این صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که مدارس و متون درسی نقش کلیدی در شکل‌گیری و سازمان‌دهی این تفاوت‌های جنسیتی ایفا می‌کنند. بر همین اساس، چارچوب تئوریک این تحقیق مبتنی بر این واقعیت است که نقش‌های جنسیتی اساساً نوعی ویژگی‌های اکتسابی و محقق (و نه ویژگی‌های ذاتی و محول) هستند که مطابق استانداردها و انتظارات فرهنگ جامعه و بر اساس فرایندی که اصطلاحاً «جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی» نامیده می‌شود شکل می‌گیرند، تکامل می‌یابند و نهادینه می‌شوند. این جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی بیش از هر زمان دیگری در دوران کودکی و

24. The gender schema theory

25. Eagly and Wood

26. Fox; Narahara

27. The gender theory

28. Massey et al; Anker; Riley and McCarthy

29. Sex and Gender

سنین مدرسه شکل می‌گیرد و به همین دلیل، کتاب‌های درسی مدارس نقشی منحصر به فرد در درونی کردن استانداردهای فرهنگی و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند.

روش تحقیق

معمولاً در تحقیقاتی که هدف آن مطالعه و تجزیه و تحلیل کمی منابع و داده‌های کیفی، به ویژه منابع مکتوب و تصویری (مثل کتاب‌های درسی)، است شیوه‌ی متداول تحقیق استفاده از تکنیک تحلیل محتوی است (برگ^{۲۰}، ۲۰۰۱؛ تایلور، ۲۰۰۳). بر همین اساس در این تحقیق نیز از تکنیک تحلیل محتوی استفاده شده است. **جامعه‌ی آماری و نمونه‌ی تحقیق:** جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه‌ی کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ در مدارس ایران تدریس می‌شدند و در مجموع، شامل ۳۶ جلد کتاب درسی در کلیه‌ی پایه‌های تحصیلی دوره‌ی ابتدایی (از اول تا پنجم دبستان) می‌شود. با توجه به این که در این تحقیق کلیه‌ی کتاب‌های درسی در دوره‌ی ابتدایی مطالعه می‌شوند، بنابراین حجم جامعه‌ی آماری و نمونه‌ی تحقیق یکسان است. در این تحقیق، کتاب‌های فارسی (بخوانیم) و فارسی (بنویسیم) و همچنین کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و کتاب کار هدیه‌های آسمانی با هم ترکیب شده است و از آن‌ها به ترتیب تحت عنوان کتاب «فارسی» و کتاب «هدیه‌های آسمانی» نام برده می‌شود.

واحدهای مورد تحلیل: مهم‌ترین واحدهای مورد مطالعه و تحلیل در این تحقیق و اجزای هر یک از این واحدها عبارتند از: واحد عنوان (کتاب‌های درسی ۵ پایه‌ی دبستان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸)، واحد تحلیل (واحد عنوان برحسب هر پایه‌ی تحصیلی و به تفکیک هر کتاب درسی)، واحد متن (هر یک از دروس مطرح شده در یک واحد مورد تحلیل مثلاً درس بچه‌های طبیعت در کتاب هدیه‌های آسمانی پایه‌ی سوم دبستان)، واحد ثبت (عناصر داخل یک متن شامل کلمه‌ها و عکس‌ها)، واحد شمارش (تعداد اسامی و عکس‌ها در یک واحد متن)، واحد تحلیل (جنسیت، که شامل مذکر و مونث بودن اسامی و شخصیت‌ها می‌شود).

ابزار و شیوه‌ی گردآوری داده‌های تحقیق: مطابق شیوه‌ی معمول در تحلیل محتوی، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق پس از یک مطالعه‌ی مقدماتی، مهم‌ترین مقوله‌های کلی مبتنی بر اهداف و سؤالات تحقیق در قالب یک پرسش‌نامه‌ی معکوس تهیه و تنظیم گردید. سپس، گردآوری

داده‌های مورد نیاز تحقیق در چارچوب این مقوله‌های کلی انجام گرفت. با توجه به این واقعیت که عکس‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی نه تنها پیامی روشن‌تر و تأثیری ماندگارتر بر ذهن دانش‌آموزان دارند، بلکه به‌طور نسبی کمتر از تفسیر و تعبیرهای شخصی محقق نیز متأثر هستند، تلاش شده است تا در هنگام گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق، بیشتر از عکس‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی در مطالعه‌ی چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی استفاده شود.

یافته‌های تحقیق

جنسیت و اسامی افراد در کتاب‌های درسی

یکی از مؤلفه‌هایی که به‌روشنی ابعاد جنسیتی را بازنمایی می‌کند، میزان استفاده از هر کدام از اسامی مردانه و زنانه در کتاب‌های درسی است. مطابق یافته‌های این تحقیق، کتاب‌های درسی از این منظر به تعبیر سوگار و هم‌کاران (۲۰۰۲) و ساندرلاند و هم‌کاران (۲۰۰۱)، یک «سوگیری جنسیتی»^{۳۱} کاملاً نمایان را منعکس می‌کند زیرا بخش بسیار زیادی از اسامی افراد در کتاب‌های درسی را اسامی مردانه و تنها بخش ناچیزی از آن‌ها را اسامی زنانه تشکیل می‌دهند. یافته‌های این تحقیق در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که فقط یک‌چهارم از اسامی افراد در کتاب‌ها اسامی زنانه و سه‌چهارم باقی‌مانده، اسامی مردانه هستند.

نکته‌ی دیگر این که مطابق یافته‌های این تحقیق، این سوگیری جنسیتی در به‌کارگیری اسامی افراد در کتاب‌های درسی به‌طور معنادار تابعی از پایه‌های تحصیلی است. در واقع، یک رابطه‌ی معکوس بین میزان سوگیری جنسیتی در به‌کارگیری اسامی افراد و پایه‌های تحصیلی وجود دارد بدین معنا که به موازات افزایش پایه‌های تحصیلی، تفاوت جنسیتی اسامی به‌طور چشم‌گیر افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال؛ در کتاب‌های درسی پایه‌ی اول نوعی تساوی جنسیتی در استفاده از اسامی افراد به چشم می‌خورد به‌طوری که تقریباً نیمی از اسامی مردانه و نیم دیگر آن زنانه است. در حالی که در کتاب‌های پایه‌ی دوم، سوگیری جنسیتی در به‌کارگیری اسامی ظاهر و پس از آن یک روند کمابیش تصاعدی در پایه‌های بالاتر دنبال می‌شود به‌طوری که در پایه‌ی پنجم به نقطه‌ی اوج می‌رسد. در واقع، تقریباً ۹۰ درصد اسامی افراد در کتاب‌های درسی پایه‌ی پنجم، مردانه و تنها ۱۰ درصد باقی‌مانده‌ی آن‌را اسامی زنانه تشکیل می‌دهند.

نکته‌ی مهم دیگر که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند مربوط به ابعاد جنسیتی اسامی افراد بر حسب عناوین کتاب‌های درسی است. در این خصوص به چند مورد اساسی می‌توان اشاره کرد. در مجموع در تمام کتاب‌های درسی، الگوی کلی فوق‌الذکر ناظر بر سوگیری جنسیتی را می‌توان مشاهده کرد. بدین معنا که در تمامی کتب درسی، اسامی مردانه بر اسامی زنانه غلبه دارد. با این حال، شدت این تفاوت جنسیتی در کتاب‌های درسی متغیر است. به‌عنوان مثال؛ کمترین میزان این تفاوت جنسیتی در کتاب علوم تجربی و سپس در کتاب ریاضی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، بیشترین میزان تفاوت جنسیتی اسامی در کتاب‌های دینی و قرآن و تعلیمات اجتماعی وجود دارد که حداقل ۸۰ درصد اسامی در هر یک از این کتاب‌ها اسامی مردانه است (جدول شماره ۱). این نتایج به‌ویژه در کتاب تعلیمات اجتماعی، به‌دلیل نقش و جایگاه آن در فرایند آموزش مقوله‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، بیشتر شایسته‌ی تأمل به نظر می‌رسد.

جدول (۱): توزیع نسبی اسامی بر حسب جنسیت و به تفکیک پایه‌ی تحصیلی و کتب درسی

توزیع نسبی		کل اسامی	اسامی مردانه	اسامی زنانه
پایه‌ی تحصیلی و کتاب‌های درسی				
درصد	پایه‌های تحصیلی	کل	۷۳/۴	۲۶/۶
		سال اول	۴۸/۸	۵۱/۲
		سال دوم	۶۸/۲	۳۱/۸
		سال سوم	۶۷/۶	۳۲/۴
		سال چهارم	۷۶	۲۴
		سال پنجم	۸۹/۲	۱۰/۸
تعداد		۱۲۰۹	۸۸۷	۳۲۲
درصد	کتاب‌های درسی	ریاضی	۵۹/۹	۴۰/۱
		علوم تجربی	۵۱/۹	۴۸/۱
		تعلیمات اجتماعی	۸۰	۲۰
		فارسی	۷۵/۳	۲۴/۷
		آموزش قرآن	۸۴/۶	۱۵/۴
		هدیه‌های اسامی	۹۱/۲	۸/۸
درصد		۱۲۰۹	۸۸۷	۳۲۲

جنسیت و تصاویر کتاب‌های درسی

هم‌چنان‌که برخی دیگر از محققان نیز استدلال کرده‌اند (بارتز، ۱۹۷۷؛ سونتگ، ۱۹۷۷؛ واتلی، ۱۹۸۸؛ لوو و شرارد، ۱۹۹۹) تصاویر کتاب‌های درسی با دقت و وضوح بیشتری ابعاد متعدد هویت و نقش‌های جنسیتی را ارائه می‌کنند و بالتبع، تأثیراتی وسیع‌تر و عمیق‌تر بر دانش‌آموزان خواهند داشت. در مجموع، نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که در خصوص عکس‌هایی که در کتاب‌های درسی به‌کار می‌روند تفاوت جنسیتی

چشم‌گیری وجود دارد. در واقع مطابق با یافته‌های این تحقیق مندرج در جدول شماره ۲، نسبت عکس‌هایی که در آن‌ها «فقط تصویر مردان» نشان داده شده‌اند چهار برابر بیشتر از نسبت عکس‌هایی است که «فقط تصویر زنان» را نشان می‌دهند (به ترتیب ۶۵ درصد و ۱۷ درصد). ضمن آن که نسبت باقی‌مانده نیز شامل تصاویری می‌شود که در آن‌ها به‌صورت ترکیبی از عکس مردان و زنان استفاده شده است. در خصوص عکس‌های ترکیبی مردان و زنان نیز دو نکته‌ی مهم وجود دارد: در نیمی از این عکس‌های ترکیبی، تعداد مرد و زن مساوی است، اما در نیم دیگر آن تعداد عکس‌هایی که در آن‌ها مردان بیشتری حضور دارند تقریباً سه برابر تعداد عکس‌هایی است که در آن‌ها زنان بیشتری به تصویر کشیده شده‌اند. در مجموع، یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین مطابقت کامل دارد که بر حضور بسیار کم‌رنگ زنان در کتاب‌های درسی تأکید کرده‌اند و وایتزمن و هم‌کاران (۱۹۷۲) نیز در توصیف این وضعیت، اصطلاح «زن نامرئی» را وضع کرده‌اند.

علاوه بر این، الگوهای کلی فوق‌الذکر در تمام پایه‌های تحصیلی وجود دارد. با وجود این، میزان و شدت این تفاوت‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی بر حسب پایه‌های تحصیلی به‌طور کاملاً معناداری متغیر است. در واقع یک رابطه‌ی معکوس بین پایه‌های تحصیلی و استفاده از تصاویر مردان و زنان وجود دارد. مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۲)، در کتاب‌های درسی پایه‌های تحصیلی پایین‌تر، این تفاوت‌های جنسیتی کمتر مشاهده می‌شود در حالی که در کتاب‌های درسی پایه‌های تحصیلی بالاتر این تفاوت‌های جنسیتی افزایش می‌یابد. به‌علاوه، در عکس‌های ترکیبی همان الگوی کلی فوق‌الذکر در خصوص این دسته از تصاویر در کتاب‌های تمامی پایه‌های تحصیلی مشاهده می‌شود بدین معنا که حضور مردان برجسته‌تر به تصویر کشیده شده است. ضمن آن که در این عکس‌های ترکیبی، به موازات افزایش پایه‌های تحصیلی، این تفاوت‌های جنسیتی یک روند کمابیش نزولی را طی می‌کند، هرچند این روند یک‌نواخت و یک‌دست نیست. به‌عنوان مثال: در کتاب‌های درسی پایه‌های اول و دوم تعداد مرد و زن در کمتر از ۵۰ درصد تصاویر ترکیبی مساوی است در حالی که این نسبت در کتاب‌های درسی پایه‌ی پنجم افزایش یافته و به ۵۶ درصد رسیده است. به‌علاوه، نتایج این تحقیق مندرج در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی قابل ملاحظه‌ای در خصوص استفاده از تصاویر به تفکیک کتب درسی وجود دارد. به‌طور کلی، الگوی محوری تفاوت جنسیتی فوق‌الذکر در کلیه‌ی کتاب‌های درسی مشاهده می‌شود بدین معنا که در کلیه‌ی کتاب‌های درسی، نسبت عکس‌هایی که «فقط مردها» را به تصویر می‌کشند به‌مراتب بیش از عکس‌هایی است که «فقط زنان» را نشان می‌دهند.

با وجود این، شدت این تفاوت جنسیتی در تمام کتاب‌های درسی یکسان نیست. مطابق نتایج این تحقیق، کمترین میزان این تفاوت جنسیتی مربوط به کتاب آموزش قرآن و سپس کتاب ریاضی است به طوری که در این کتاب‌ها نسبت عکس‌هایی که «فقط مردها» را نشان می‌دهد تنها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر از تصاویری است که «فقط زنان» را نشان می‌دهد. این تفاوت جنسیتی در کتاب علوم تجربی نیز نسبتاً کم است (حدود ۲۷ درصد). گفتنی است که به‌ویژه در خصوص کتاب آموزش قرآن، یک دلیل اصلی این کاهش تفاوت جنسیتی این واقعیت است که نسبت عکس‌های ترکیبی مرد و زن در این کتاب بسیار زیاد است. در واقع، در مقایسه با سایر کتاب‌های درسی، بیشترین نسبت عکس‌های ترکیبی مرد و زن در این کتاب (آموزش قرآن) وجود دارد به طوری که بیش از یک‌سوم تصاویر آن را عکس‌های ترکیبی تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر، این تفاوت جنسیتی در سایر کتاب‌های درسی حداقل ۵۰ درصد است. می‌توان کمابیش این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که چنان‌چه نسبت عکس‌های ترکیبی مرد و زن در کتاب‌ها کم باشد - که باعث می‌شود نسبت‌های بیشتری برای تخصیص «عکس فقط مردها» و «عکس فقط زنان» باقی بماند - در این صورت تفاوت‌های جنسیتی در این خصوص به‌طور چشم‌گیری بروز می‌کند زیرا در چنین شرایطی نسبت‌های باقی‌مانده کمابیش بین دو جنس مرد و زن یکسان توزیع نمی‌شود بلکه نسبت بسیار زیادی از عکس‌ها صرفاً به مردان اختصاص می‌یابد و تنها نسبت بسیار اندکی از آن‌ها به زن‌ها تخصیص می‌یابد.

جدول (۲): توزیع نسبی تصاویر کتاب‌ها بر حسب جنسیت و به تفکیک پایه‌ی تحصیلی و کتاب درسی

تصاویر ترکیبی مرد و زن				تصاویر افراد				توزیع نسبی اسامی		پایه‌ی تحصیلی و کتاب‌های درسی
مرد	زنان	ترکیبی	جمع	مرد	زنان	ترکیبی	جمع	مرد	زنان	
۱۳/۵	۳۶/۵	۵۰	۱۰۰	۱۸/۴	۱۷/۱	۶۴/۵	۱۰۰	کل		درصد
۱۳/۸	۳۷/۹	۴۸/۳	۱۰۰	۲۹/۹	۲۲/۵	۴۶/۴۶	۱۰۰	سال اول		
۱۱/۵	۴۵/۸	۴۲/۷	۱۰۰	۳۲/۲	۲۲/۸	۴۵	۱۰۰	سال دوم		
۱۵/۹	۲۹	۵۵/۱	۱۰۰	۱۶/۴	۱۹/۳	۶۴/۳	۱۰۰	سال سوم		
۱۳/۴	۷۳/۳	۴۹/۳	۱۰۰	۱۰/۴	۹/۵	۸۰/۱	۱۰۰	سال چهارم		
۱۲/۵	۳۱/۲	۵۶/۳	۱۰۰	۱۴/۹	۱۶/۵	۶۸/۶	۱۰۰	سال پنجم		
۶۲	۱۶۷	۲۲۹	۴۵۸	۴۵۸	۴۲۴	۱۶۰۴	۲۴۸۶	جمع فراوانی	تعداد	
۲۰/۶	۳۲/۳	۴۷/۱	۱۰۰	۲۴/۳	۲۸/۶	۴۷/۱	۱۰۰	ریاضی	درصد	کتاب‌های درسی
۹/۷	۳۸/۷	۵۱/۶	۱۰۰	۱۰/۹	۳۱	۵۸/۱	۱۰۰	علوم تجربی		
۲۷/۵	۵۲/۵	۲۰	۱۰۰	۲۵/۳	۱۰/۸	۶۳/۹	۱۰۰	تعلیمات اجتماعی		
۱۲/۶	۳۵/۲	۵۲/۳	۱۰۰	۱۷	۱۱/۸	۷۱/۲	۱۰۰	فارسی		
۸/۶	۲۷/۱	۶۴/۳	۱۰۰	۳۷/۲	۲۶/۶	۳۶/۲	۱۰۰	آموزش قرآن		
۹/۹	۴۰/۷	۴۹/۴	۱۰۰	۱۵/۷	۱۵	۶۹/۳	۱۰۰	هدیه‌های آسمانی		
۶۲	۱۶۷	۲۲۹	۴۵۸	۴۵۸	۴۲۴	۱۶۰۴	۲۴۸۶	جمع فراوانی	تعداد	

واژه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی

یکی از راه‌هایی که می‌توان به نقش کتاب‌های درسی در فرآیند جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان پی برد این است که باید دید آیا اساساً کلمات و واژه‌هایی که مرتبط با جنس مرد و زن است در کتاب‌های درسی مساوی منعکس شده است یا سوگیری جنسیتی خاصی در این زمینه وجود دارد؟ این موضوع در این تحقیق مورد توجه و مطالعه قرار گرفته و نتایج آن در جدول شماره ۳ درج شده است. مطابق داده‌های این جدول، به‌طور کلی، واژه‌های مرتبط با جنس مذکر (مانند پدر، مرد، آقا، پسر، پدربزرگ، سایر) بیش از واژه‌های مرتبط با جنس مؤنث (مانند مادر، زن، خانم، دختر، مادربزرگ، سایر) است. در واقع، از مجموع ۲۰۸۸ واژه‌ی مرتبط با جنس مذکر و مؤنث در کلیه کتاب‌های درسی در این تحقیق، ۱۱۷۵ کلمه (معادل ۵۶.۳ درصد) واژه‌های جنس مذکر و ۹۱۳ کلمه (معادل ۴۳.۷ درصد) واژه‌های جنس مؤنث است. در هر یک از این دو دسته اصلی واژه‌های جنسیتی، کلمه‌ی «پدر» و کلمه‌ی «مادر» به‌مراتب بیشتر از سایر واژه‌های جنس مربوطه است. بدین معنا که کلمه‌ی «پدر» نزدیک به ۴۰ درصد کل واژه‌های مرتبط با جنس مذکر و کلمه‌ی «مادر» تقریباً ۵۰ درصد کل واژه‌های مرتبط با جنس مؤنث را شامل می‌شود. این نکته به‌روشنی نشان‌دهنده‌ی ارزش خانواده و ارکان اصلی آن (یعنی پدر و مادر) در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی است که به‌خوبی در کتاب‌های درسی نیز انعکاس یافته است. در عین حال، مطالعه‌ی دقیق‌تر این الگوهای کلی تفاوت‌های جنسیتی قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. اول، به‌طور مشخص، مقایسه‌ی دو کلمه‌ی «مرد» و «زن» نشان می‌دهد که تعداد فراوانی و دفعات تکرار کلمه‌ی «مرد» به‌مراتب بیشتر از تعداد دفعاتی است که کلمه‌ی «زن» در کتاب‌های درسی ذکر و تکرار شده است (به ترتیب، ۱۹۶ و ۶۹ بار). دوم، استفاده از دو کلمه‌ی نسبتاً محترمانه‌تر یعنی «آقا» و «خانم» نیز بیان‌گر آن است که واژه‌ی مرتبط با جنس مذکر (یعنی «آقا») هم‌چنان به‌طور چشم‌گیری بیشتر از واژه‌ی مرتبط با جنس مؤنث (یعنی «خانم») در کتاب‌های درسی وجود دارد (۱۳۱ و ۵۳ بار). سوم، تفاوت‌های جنسیتی فوق در مقایسه بین دو کلمه‌ی «پسر» و «دختر» نیز تأیید می‌شود زیرا کلمه‌ی «پسر» ۱۳۴ بار و کلمه‌ی «دختر» تنها ۹۹ بار در کتاب‌های درسی ذکر و تکرار شده است. چهارم، سایر واژه‌های مرتبط با جنس مذکر (شامل واژه‌های: دایمی، عمو، پسرعمو، پسردایی، پسر عمه، پسرخاله، شوهر خاله، شوهر عمه، شوهر، مذکر، پیرمرد، برادر، برادر زاده) نیز بیشتر از سایر واژه‌های مرتبط با جنس مؤنث (شامل واژه‌های: خاله، عمه، دخترعمو، دختردایی، دخترعمه، دخترخاله، زن عمو، زن دایمی، مؤنث، پیرزن، خواهر، خواهرزاده) است (به ترتیب، ۱۷۹ و ۱۴۸ بار). پنجم، یک الگوی جنسیتی کاملاً متفاوت نیز در این خصوص وجود دارد که مربوط به مقایسه‌ی دو کلمه‌ی «مادر» و

«پدر» است. مطابق نتایج این تحقیق، کلمه‌ی «مادر» تا حدودی بیش از کلمه‌ی «پدر» در کتاب‌های درسی وجود دارد (به ترتیب، ۴۴۶ بار و ۴۴۲ بار). جالب آن‌که این تفوق نسبی در مقایسه بین دو کلمه‌ی «مادر بزرگ» و «پدر بزرگ» نیز مشاهده می‌شود (به ترتیب، ۹۸ و ۹۳ بار). در واقع، تنها در این دو مورد (یعنی کلمه‌ی «مادر» در مقایسه با کلمه‌ی «پدر»، و کلمه‌ی «مادر بزرگ» در مقایسه با کلمه‌ی «پدر بزرگ») است که واژه‌های مرتبط با جنس مؤنث تا حدودی بیشتر از واژه‌های مرتبط با جنس مذکر است. در عین حال باید توجه داشت که برتری عددی دفعات تکرار دو کلمه‌ی «مادر» و «مادر بزرگ» نسبت به کلمات «پدر» و «پدر بزرگ» ناچیز و اندک است، در حالی که این برتری برای جنس مذکر (یعنی در مقایسه بین واژه‌هایی «مرد» - «زن»، «آقا» - «خانم»، «پسر» - «دختر»، «خویشاوندان ذکور - خویشاوندان مؤنث») بسیار چشم‌گیر است. در هر حال، فراوانی بسیار زیاد کلمه‌ی «مادر» به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی ارزش والای مقام مادر در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی است که به‌روشنی در کتاب‌های درسی نیز بازتاب یافته است، اما مقایسه‌ی مجموع یافته‌های پنج‌گانه‌ی فوق بر این نکته‌ی اصلی نیز تأکید می‌کند که «دختر» و «زن» زمانی که فرایندهایی چون ازدواج و فرزندزایی را طی کنند و در چارچوب خانواده «مادر» نامیده شوند، آن‌گاه به‌طور قابل ملاحظه‌ای برجسته می‌شوند و حتی بیش از جنس مذکر یعنی «پدر» نیز انعکاس می‌یابند.

جدول (۳): توزیع فراوانی و واژه‌های جنس مذکر و مؤنث به تفکیک پایه تحصیلی و کتاب درسی

پایه‌های تحصیلی							پایه‌های تحصیلی	
تعداد	درصد							
جمع فراوانی	سال پنجم	سال چهارم	سال سوم	سال دوم	سال اول	کل	واژه‌ها	واژه‌های جنس مؤنث
۹۱۳	۱۲۳	۲۳۱	۲۷۹	۱۹۶	۸۴	۱۰۰	کل	
۴۴۶	۵۵	۱۲۳	۱۳۵	۸۵	۴۸	۴۹	مادر	
۶۹	۱۹	۲۰	۲۲	۵	۳	۷/۶	زن	
۵۳	۱	۲	۳۷	۱۰	۳	۵/۷	خانم	
۹۹	۲۷	۲۷	۲۹	۱۳	۳	۱۰/۸	دختر	
۹۸	۱۱	۳۴	۳۷	۱۰	۶	۱۰/۷	مادر بزرگ	
۱۴۸	۱۰	۲۵	۱۹	۷۳	۲۱	۱۶/۲	سایر	واژه‌های جنس مذکر
۱۱۷۵	۲۵۴	۲۲۵	۳۶۸	۲۴۷	۸۱	۱۰۰	کل	
۴۴۲	۷۳	۹۶	۱۳۱	۸۲	۶۰	۳۷/۶	پدر	
۱۹۶	۶۱	۶۰	۳۱	۴۲	۲	۱۶/۷	مرد	
۱۳۱	۱۹	۷	۹۵	۸	۲	۱۱/۲	آقا	
۱۳۴	۴۲	۱۷	۴۰	۳۵	۰	۱۱/۴	پسر	
۹۳	۲۵	۱۳	۳۰	۱۶	۹	۷/۹	پدر بزرگ	
۱۷۹	۳۴	۳۲	۴۱	۶۴	۸	۱۵/۲	سایر	

جنسیت و فعالیت ورزشی

یکی از عرصه‌هایی که می‌توان چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی را تجزیه و تحلیل کرد، ورزش و فعالیت‌های فیزیکی و کمیت و کیفیت حضور دختران و پسران در این عرصه است. در واقع، از نظر متخصصان علوم ورزشی و تربیت بدنی، دختران و پسران از طریق فعالیت‌های بدنی و حرکت‌های ورزشی به خودابرازی، خلاقیت، توسعه‌ی خویشتن‌دوستی مثبت، کسب و درک بهتر از بعد جسمانی خویش نایل می‌شوند. به همین دلیل، از نظر این متخصصان، آموزش مفاهیم اساسی حرکت و فعالیت بدنی باید از مهم‌ترین برنامه‌های تربیت بدنی به‌ویژه در مدارس ابتدایی باشد (رضوی و نظر علی ۱۳۸۵). علی‌رغم این اصول علمی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی در کتاب‌های درسی بسیار چشم‌گیر است به طوری که انعکاس حضور دختران و زنان در عرصه‌های ورزشی بسیار اندک و کم‌رنگ است. در واقع، مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۴)، از مجموع تصاویر مرتبط با فعالیت‌های ورزشی در کتاب‌های درسی تنها ۹ درصد آن‌ها حضور دختران و زنان را در صحنه‌های ورزشی نشان می‌دهد و ۹۱ درصد باقی‌مانده فعالیت‌های ورزشی پسران و مردان را به تصویر می‌کشد.

نکته‌ی مهم دیگری که از نتایج این تحقیق استنباط می‌شود این واقعیت است که میزان و شدت این تفاوت‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی بر حسب پایه‌های تحصیلی به‌طور کاملاً معناداری متغیر است. در واقع، یک رابطه‌ی معکوس بین پایه‌های تحصیلی و حضور دختران و زنان در صحنه‌های ورزشی کتاب‌های درسی وجود دارد به طوری که به موازات بالا رفتن پایه‌های تحصیلی، انعکاس حضور دختران و زنان در صحنه‌های ورزشی کتاب‌های درسی به‌طور کاملاً نمایانی رو به کاهش می‌گذارد و در واقع، زنان از حضور در فعالیت‌های ورزشی تقریباً محو می‌شوند. به‌عنوان مثال؛ یک‌پنجم (۲۰ درصد) تصاویر ورزشی در کتاب‌های پایه‌ی اول، فعالیت‌های ورزشی دختران و زنان را نمایش می‌دهد در حالی که این نسبت در کتاب‌های پایه‌ی پنجم با کاهشی بسیار چشم‌گیر به ۴ درصد تنزل می‌یابد. ضمن آن‌که تصاویر ورزشی در کتاب‌های پایه‌ی چهارم به‌طور کامل به نمایش فعالیت‌های ورزشی پسران و مردان اختصاص می‌یابد و هیچ‌گونه انعکاسی از حضور دختران و زنان در عرصه‌های ورزشی در کتاب‌های درسی این پایه‌ی تحصیلی به چشم نمی‌خورد.

نکته‌ی مهم دیگر در یافته‌های این تحقیق، مربوط به تفاوت بسیار معناداری است که در کتاب‌های درسی بین جنسیت و نوع فعالیت ورزشی وجود دارد. از یک طرف، طیف بسیار گسترده‌ای از فعالیت‌های ورزشی برای پسران و مردان در کتاب‌های درسی نمایش داده شده است که شامل مواردی متعدد

هم‌چون فوتبال، پرتاب نیزه، دو و میدانی، کوهنوردی، والیبال، کشتی، تنیس، شنا، دوچرخه‌سواری، سوارکاری، کوهنوردی، وزنه‌برداری و اسکی روی آب می‌شود. از طرف دیگر، تنوع فعالیت‌های ورزشی دختران و زنان بسیار محدود است به طوری که در این‌جا حتی ضرورتی برای ترسیم یک جدول آماری جداگانه برای تجزیه و تحلیل انواع اصلی فعالیت‌های ورزشی دختران و زنان به تفکیک پایه‌های تحصیلی و کتاب‌های درسی احساس نمی‌شود زیرا در واقع، فعالیت‌های ورزشی دختران و زنان، تنها شامل سه مورد نرمش و کوهنوردی و پنج مورد والیبال و پینگ‌پنگ می‌شود که در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده است. نکته‌ی پایانی در خصوص چگونگی بازنمایی فعالیت‌های ورزشی دختران و پسران، تفکیک جنسیتی فضای فعالیت ورزشی است. بدین معنا که تقریباً در همه‌ی موارد، فعالیت‌های ورزشی هر یک از دو جنس دختران و پسران، جداگانه و بدون حضور جنس مخالف به تصویر کشیده شده است.

جدول (۴): توزیع نسبی تصاویر فعالیت ورزشی به تفکیک جنس و پایه‌ی تحصیلی^{۳۲}

تصاویر افراد			توزیع نسبی اسامی	
فعالیت ورزشی پسران و مردان	فعالیت ورزشی دختران و زنان	تعداد کل تصاویر فعالیت ورزشی	پایه‌های تحصیلی	
۹۱/۲	۸/۸	۱۰۰	کل	
۸۰	۲۰	۱۰۰	سال اول	
۹۱/۷	۸/۳	۱۰۰	سال دوم	
۹۳/۷	۶/۳	۱۰۰	سال سوم	
۱۰۰	۰	۱۰۰	سال چهارم	
۹۶/۱	۳/۹	۱۰۰	سال پنجم	
۸۳	۸	۹۱	جمع فراوانی	

جنسیت و بعد خانواده

یکی از ابعاد جمعیت‌شناختی جنسیت، ارتباط بین بعد خانواده و جنسیت فرزندان است. مطابق تحقیقات جمعیت‌شناسان، وجود سوگیری‌های فرهنگ جامعه و ارزش‌های خانواده نسبت به یک جنس خاص (فرزند دختر یا فرزند پسر) می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در افزایش سطح باروری و بعد خانواده داشته باشد. به سبب همین اهمیت، در این تحقیق، چگونگی بازنمایی بعد خانواده بر حسب جنسیت فرزندان در کتاب‌های درسی

^{۳۲} فراوانی مربوط به فعالیت ورزشی ترکیبی دختران و پسران (مختلط) بسیار اندک بوده (۳ مورد) و به همین علت در محاسبات این جدول منظور نشده است.

مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص، نتایج این تحقیق مندرج در جدول شماره ۵، چند نکته‌ی اساسی در زمینه‌ی مناسبات بین جنسیت و بعد خانواده را نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی منعکس شده‌اند.

اول آن‌که، الگوی غالب در کتاب‌های درسی در خصوص بعد خانواده به‌روشنی سطح باروری جاری در ایران (یعنی به‌طور متوسط حدود ۲ فرزند برای هر زن) را بازتاب می‌دهد (میرزایی، ۱۳۸۴؛ فروتن، ۱۳۸۷؛ عباسی‌شواری و مک دونالد، ۲۰۰۶). در واقع، مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۵)، در حدود یک‌چهارم موارد مشاهده‌شده در کتاب‌های درسی نشان‌دهنده‌ی «خانواده‌ی تک فرزندی» و سه‌چهارم باقی‌مانده نشان‌دهنده‌ی «خانواده‌ی دو فرزندی» است. این الگوی جمعیت‌شناختی کمابیش در متن و تصاویر کتاب‌های درسی یکسان است ضمن آن‌که تنها در یک مورد «خانواده‌ی سه فرزندی و بیشتر» در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده است و در متن کتاب‌های درسی نیز به این نوع بعد خانواده اشاره نشده است. دوم آن‌که، الگوی غالب دیگری که در خصوص بعد خانواده در کتاب‌های درسی نشان داده می‌شود این است که ترکیب بعد خانواده به لحاظ جنسیتی نیز مساوی است: «یک فرزند دختر و یک فرزند پسر». در واقع، بیش از ۶۵ درصد موارد (هم در متن کتاب‌های درسی و هم در تصاویر کتاب‌های درسی)، این الگوی بعد خانواده را بازنمایی می‌کنند. سوم آن‌که، الگوی دیگری که در این خصوص استنباط می‌شود و بعد جنسیتی آن نیز بسیار مهم و قابل توجه به نظر می‌رسد به همان ۲۵ تا ۳۵ درصد باقی‌مانده‌ی موارد در تصاویر و متن کتاب‌های درسی مربوط می‌شود که ترکیب بعد خانواده در آن‌ها به لحاظ جنسیتی یکسان نیست و نتایج آن نیز در جدول شماره ۵ زیر عنوان‌های «۱ یا ۲ فرزند پسر» و «۱ یا ۲ فرزند دختر» آمده است.

این موارد نشان‌دهنده‌ی پدیده‌ای هستند که در جمعیت‌شناسی اصطلاحاً پدیده‌ی «ترجیح جنسی»^{۳۳} نامیده می‌شود. مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۵)، هم در تصاویر و هم در متن کتاب‌های درسی، مواردی که «۱ یا ۲ فرزند پسر» را انعکاس می‌دهد تقریباً دو برابر مواردی است که «۱ یا ۲ فرزند دختر» را نشان می‌دهند. در واقع، در متن کتاب‌های درسی در ۱۶ درصد موارد الگوی «۱ یا ۲ فرزند پسر» و تنها در ۸ درصد موارد، الگوی «۱ یا ۲ فرزند دختر» نشان داده شده است. ضمن آن‌که از مجموع عکس‌های کتاب‌های درسی مربوط به بعد خانواده، در ۲۲ درصد موارد الگوی «۱ یا ۲ فرزند پسر» و تنها در ۱۲ درصد موارد الگوی «۱ یا ۲ فرزند دختر» به تصویر کشیده شده است.

جدول (۵): توزیع نسبی موارد مربوط به بعد خانواده و جنسیت فرزندان

بر حسب متن و تصاویر کتاب به تفکیک پایه تحصیلی

توزیع نسبی اسامی		بر حسب تصاویر کتاب				بر حسب متن کتاب			
پایه‌های تحصیلی	کل	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴
		یک فرزند پسر	یک فرزند دختر	یک فرزند پسر	یک فرزند دختر	یک فرزند پسر	یک فرزند دختر	یک فرزند پسر	یک فرزند دختر
کل	۱۰۰	۸/۴	۱۶	۷۵/۶	۱۰۰	۱۲/۵	۲۱/۹	۶۵/۶	
سال اول	۱۰۰	۷	۲۱/۱	۷۱/۸	۱۰۰	۲۵	۰	۷۵	
سال دوم	۱۰۰	۱۲/۵	۰	۸۷/۵	۱۰۰	۱۴/۳	۲۸/۲۶	۵۷/۱	
سال سوم	۱۰۰	۶/۹	۶/۹	۸۶/۲	۱۰۰	۰	۵۰	۵۰	
سال چهارم	۱۰۰	۳۳/۳	۱۶/۷	۵۰	۱۰۰	۰	۱۶/۷	۸۳/۳	
سال پنجم	۱۰۰	۵/۹	۱۷/۶	۷۶/۵	۱۰۰	-	-	-	
جمع فراوانی	۱۳۱	۱۱	۲۱	۹۱	۳۲	۴	۷	۲۱	تعداد

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شده است تا در چارچوب تئوریک فرایند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی (ریچاردسون ۱۹۷۷، اونس و داویس ۲۰۰۰، تایلور ۲۰۰۳)، محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی تحلیل شود. دوره‌ی ابتدایی قاعده‌ی مراحل آموزش رسمی محسوب می‌شود. در مجموع، یافته‌های این تحقیق به‌خوبی مؤید «سوگیری جنسیتی» (سوگار و هم‌کاران ۲۰۰۲، ساندرلند و هم‌کاران ۲۰۰۱) است: در تمامی کتاب‌های درسی، اسامی و تصاویر مردان به‌طور کاملاً نمایان بر اسامی و تصاویر زنان غلبه دارد. نکته‌ی مهم‌تر آن که به موازات افزایش پایه‌ی تحصیلی این سوگیری‌های جنسیتی، هم در اسامی و هم در تصاویر کتاب‌های درسی با شدت و قوت بیشتری بازتاب می‌یابد. این سوگیری جنسیتی در واژه‌های کلیدی مرتبط با جنس مذکر و مؤنث نیز مشاهده می‌شود. تنها استثنای قابل ملاحظه در این خصوص، کلمه‌ی «مادر» است که به دفعات بسیار زیاد (حتی بیش از کلمه‌ی «پدر») در کتاب‌های درسی ذکر و تکرار شده است که منعکس‌کننده‌ی ارزش والای مقام مادری در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی است. با وجود این، در سایر موارد واژه‌های جنس مذکر نسبت به واژه‌های جنس مؤنث (یعنی در مقایسه بین دو واژه‌ی «مرد» - «زن»، «آقا» - «خانم»، «پسر» - «دختر»، «خویشاوندان ذکور» - «خویشاوندان مؤنث») به‌طور

چشم‌گیری بیشتر است. این الگوی جنسیتی در متون مکتوب و کتاب‌های درسی که شباهت زیادی نیز با جایگاه زن در فرهنگ عامه و کلامی ایرانی دارد (فروتن، ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۷) نشان می‌دهد که هویت «دختر» و «زن» ارتباطی تنگاتنگ با تشکیل خانواده (ازدواج و باروری) دارد که آنان را به‌عنوان «همسر» در کنار «شوهر» و به‌ویژه «مادر» در کنار اعضای خانواده‌ی خویش قرار می‌دهد.

علاوه بر این، تحلیل ابعاد جمعیت‌شناختی محتوای کتاب‌های درسی مبین یک تفاوت جنسیتی قابل ملاحظه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه الگوی غالب در خصوص بعد خانواده بر حسب جنس فرزندان که در کتاب‌های درسی انعکاس یافته - یک ترکیب جنسیتی مساوی (یعنی «یک فرزند دختر و یک فرزند پسر») است، اما در موارد باقی‌مانده که این ترکیب جنسیتی نامساوی است، غلبه و برتری جنس مذکر (یعنی ترجیح فرزند پسر بر فرزند دختر) کاملاً نمایان است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه‌ی فعالیت‌های ورزشی نیز تفاوت‌های جنسیتی چشم‌گیری در کتاب‌های درسی وجود دارد. مطابق این نتایج، نه‌تنها دختران و زنان در کمتر از ۱۰ درصد صحنه‌های ورزشی کتاب‌های درسی مشارکت دارند، بلکه فعالیت‌های ورزشی آنان از تنوع بسیار محدودی نیز برخوردار است در حالی که در این‌جا نیز پسران و مردان در طیف بسیار متنوعی از فعالیت‌های ورزشی ظاهر می‌شوند. این نتایج بیان‌گر این نکته‌ی مهم نیز است که به‌موازات افزایش پایه‌ی تحصیلی، حضور دختران و زنان در صحنه‌های ورزشی کتاب‌های درسی به‌طور کاملاً نمایانی رو به کاهش می‌گذارد و در واقع، در پایه‌های تحصیلی بالاتر، دختران و زنان از صحنه‌های ورزشی کتاب‌های درسی تقریباً محو می‌شوند. به‌علاوه، الگوی سنتی ناظر بر تفکیک جنسیتی نقش‌های داخل و خارج خانه به‌طور کاملاً روشنی در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است یعنی از یک‌سو، انجام کارهای خانگی اساساً به زنان واگذار شده است. از سوی دیگر، نقش‌های جنسیتی خارج از خانه اساساً یک «موضوع مردانه» معرفی شده و موضوع اشتغال زنان بسیار کمرنگ در کتاب‌های درسی انعکاس یافته است.^{۳۴}

در مجموع، یافته‌های این تحقیق، هم پدیده‌ی «زن نامرئی» (ویتزمن و همکاران ۱۹۷۲) و هم پدیده‌ی «پدر نامرئی» (آندرسون و همیلتون ۲۰۰۵) را تأیید می‌کنند. بدین معنا که از یک‌سو زنان (در مقایسه با مردان) حضوری بسیار کمرنگ و نامحسوس در تمامی کتاب‌های درسی دارند. از سوی دیگر، همان حضور نامحسوس زنان نیز عمدتاً به نقش‌های جنسیتی سنتی یعنی انجام وظایف خانگی و مراقبت از فرزندان محدود می‌شود و

^{۳۴} مؤلف، موضوع نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه با تأکید بر الگوهای اشتغال زنان و ویژگی‌های بازنمایی آن‌ها در کتاب‌های درسی را به‌طور مستقل در مقاله دیگری مورد بحث و مطالعه قرار خواهد داد.

در نتیجه، نقش مردان به‌عنوان «پدر» در مراقبت از فرزندان خویش بسیار کم‌رنگ و نامحسوس در کتاب‌های درسی انعکاس می‌یابد، ضمن آن که این سوگیری‌های جنسیتی در زمینه‌ی نقش‌های جنسیتی خارج از خانه (از جمله در خصوص اشتغال زنان) نیز به‌وضوح در کتاب‌های درسی بازتابی می‌شود. بدین ترتیب، در چارچوب فرایند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، عملاً پسر بچه‌ها یاد می‌گیرند که در آینده به‌عنوان شوهر و پدر، نقش و مسئولیت آنان عمدتاً در خارج از خانه است و نقش چندان‌ی در داخل خانه و مراقبت از فرزند نخواهند داشت. برعکس، دختر بچه‌ها نیز یاد می‌گیرند که در آینده به‌عنوان همسر و مادر، نقش و مسئولیت آنان اساساً در چارچوب خانه و خانواده یعنی انجام وظایف خانگی و مراقبت از فرزندان خواهد بود.

به نظر می‌رسد که این قبیل الگوهای جنسیتی، فاقد هم‌خوانی لازم با تغییراتی است که در سال‌های اخیر در وضعیت دختران و زنان در ایران پدید آمد و مشابهت زیادی با مطالعه‌ی لی و کولینز (۲۰۰۸) در هنگ‌کنگ دارد که در بخش ادبیات تحقیق اشاره گردید. گفتنی است که در سال‌های اخیر پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه‌ی افزایش تحصیلات دختران و زنان به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی (سفیری، ۱۳۸۶) و کاهش سطح باروری زنان (میرزایی، ۱۳۸۴؛ فروتن، ۱۳۸۷؛ عباسی‌شوازی و مک دونالد، ۲۰۰۶) در ایران صورت گرفته است. این قبیل پیشرفت‌های اجتماعی و تغییرات جمعیت‌شناختی نه‌تنها ماهیتاً با منحصر نمودن هویت زنان در چارچوب نقش‌های جنسیتی سنتی داخل خانه سازگاری ندارند، بلکه زمینه‌های مثبتی را برای افزایش اشتغال زنان و مشارکت آنان در پذیرش نقش‌های اجتماعی خارج از خانه نیز فراهم خواهد آورد. بنابراین جا دارد که تلاش‌های بیشتر و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر در راستای تطابق محتوای جنسیتی کتاب‌های درسی با این پیشرفت‌های اجتماعی و تغییرات جمعیت‌شناختی اخیر در وضعیت زنان در ایران انجام پذیرد.

منابع

- Abbasi-Shavazi M J and McDonald P.** (2006) 'Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000', *Asian Population Studies*, Vol. 2, No. Pp. 217-237.
- Afshani, Seyed Alireza, et al.** (2009) Representation of gender roles in the Farsi books of primary schools, *Women's Research*, Vol. 7. No. 1, pp.:87-107.
- Anderson, D. A. and Hamilton, M.** (2005) Gender role stereotyping of parents in children's picture books: The invisible father, *Sex Roles*, Vol. 52, No. 3-4: 145-151.
- Arbuthnot, M. H.** (1984) *Children and Books*, Chicago, Scott Foresman & Company.

- Barthes, R.** (1977) *Image-music-text*, New York: Hill & wang.
- Berg, B. L.** (2001) *Qualitative research method for the social sciences*, Allyn&Bacon.
- Blount, L.** (1990) *National case studies of equal opportunities: Irland, IN: Wiener, The Primary school and equal opportunities*, Chassell: Council of Europe.
- Britton, G. E and Lumpkin, M. C.** (1977) *For sale: Subliminal bias in textbooks*, Reading reacher, Vol. 31, pp. 40-45.
- Chung, H.** (2000) *Women's roles and gender issues in primary school textbooks: Korea and Mexico*, Santiago: University of California.
- Collins, L. et al.** (1984) *Sex-role stereotyping in children's literature: A change from the past*, *Childhood Education*, Vol. 90, pp. 278-285.
- Crabb, P. B. and Bielawski D.** (1994) *The social representation of material culture and gender in children's books*, *Sex Roles*, Vol. 1-2, pp. 69-79.
- Elder, R. G.** (1988) *Sexism in gynecology textbooks: Gender stereotypes and paternalism, 1978 through 1983*, *Health Care for Women International*, 9(1): 1-17.
- Ezazi, Shahla** (2002), *Women's status in Special Journals of Sociology*, *Women's Research*, Vol. 1, No. 4, pp: 86-111.
- Foroutan. Yaghoob** (2009) "Gender and religion: The status of women in the Muslim world", In P. Clarke and P. Beyer (Eds.), *The World's Religions: Continuities and Transformations*, London: Routledge Publication, pp. 225-238.
- Foroutan. Yaghoob** (2008) "Women's employment, religion and multiculturalism: socio-demographic Emphasis", *Journal of Population Research*, Vol. 25, No. 1, pp.163-190.
- Foroutan, Yaghoob** (2009) "Sociology of religion and gender: Theoretical and empirical investigations focusing on women's employment", *Journal of Faculty of Literature and Social Sciences (Tarbiat Moalem University)*, no. 6.
- Foroutan, Yaghoob** (2008) "Demographic approach on women's employment with considerations on the situation of Iran" *Journal of Population Association of Iran*, no. 6.
- Foroutan, Yaghoob** (2007) "Cultural settings of demographic changes with reference to fertility transition in Iran", *Cultural studies and communication quarterly*, no. 11.
- Foroutan, Yaghoob** (2000) "Demographic considerations in Iran's public culture", *Population Quarterly*, 8th year, no. 31-32, pp. 46-69.
- Fox, M.** (1993) *Men who weep, boys who dance: the gender agenda between the lines in children's literature*, *Language Arts*, Vol. 70, pp. 84-88.
- Fried, F. J.** (1982) *Stereotyping in children's materials*, East Lansing, MI: National Center for Research on Teacher Learning.
- Johns, M. A. et al.** (1997) *Discourse roles, gender and language textbook dialogues: Who learns what from John and Sally?*, *Gender and Education*, Vol. 9, pp. 469-490.
- Gooden, A. and Gooden M. A.** (2001) *Gender representation in Noteable Children's picture books: 1995-1999*, *Sex Roles*, Vol. 45, No. 1-2, pp. 89-101.

- Hakim C** (1996) Key Issues in Women's Work: Female Heterogeneity and the Polarisation of Women's Employment, Atlantic Highlands, NJ: Athlone, London.
- Hejazi, Elaheh** (2006) The reform of women's representation in Primary School books: a way towards equal opportunities, *Education Quarterly*, no. 87, pp. 121-145.
- Higgins, P. H. and Shoar-Ghafari P.** (1991) Sex-role socialization in Iranian textbooks, *NWSA Journal*, Vol. 3, No. 2, pp. 213-232.
- Hominfar, Elham** (2003) "Change of gender socialization", *Women's Research*, Vol. 1, no. 7, pp. 89-113.
- Kortenhaus, C. M. and Demarest, J.** (1993) Gender role stereotyping in children's literature: an update, *Sex Roles*, Vol. 28, No. 3-4, pp. 219-232.
- Imani, Mohsen and Mozafar, Mohammed** (2004) Content analysis of the books of 'Hedyehaye Asmani' and 'Talmate Dini' of year 2 primary school published in 1381 compared with books of 'Talmate Dini' published in 2001, *Educational Innovations Quarterly*, no. 7, third year, pp.: 115-142.
- Lee, J. F. K. and Collins P.** (2008) Gender voices in Hong Kong English textbooks – Some past and current practices, *Sex Roles*, Vol 59, pp. 127-137.
- Lee, J. F. K. and Collins P.** (2009) Australian English-language textbooks: the gender issues, *Gender and Culture*, Vol. 21, Issue 4, pp. 353-370.
- Macionis, J. J.** (2001) *Sociology*, 8th ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Maghsoudi, Soudeh** (2004) "Study of women's roles in children's story books", *Women's Research*, Vol. 2, no. 3, pp. 41-55.
- Massey D S et al** (1993) 'Theories of International Migration: A Review and Appraisal', *Population and Development Review*, Vol. 19, No. 3, Pp. 431-466.
- Mead, G. H.** (1934) *Mind, Self, and Society*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- McDonald, P.** (2000) 'Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility', *Journal of Population Research*, Vol. 17, No. 1, Pp. 1-16.
- Mirzaei, Mohamed** (2005) *Population and development with focus on Iran*, Tehran: Population Research Center for Asia and Pacific.
- Mojtahedi, Mahin** (2003) Study of gender beliefs the content of in primary school books, paper presented in the National Conference of reforms engineering in the Education Department, Tehran, 20-21 Khordad.
- Narahara, M.** (1998) *Gender stereopyes in children's picture books*, East Lansing, MI: National Center for Research on Teacher Learning.
- Peterson, S. B. and Lach, M. A.** (1990) Gender stereotypes in children's books: their prevalence and influence on cognitive and affective development, *Gender and Education*, Vol. 2, Issue 2, pp. 185-197.
- Pierce, K.** (1990) A feminist theoretical perspective on the socialization of teenage girls through Seventeen magazine, *Sex Roles*, Vol. 23, pp. 491-500.

- Razavi, Ameneh and Nazar-ali, Parvaneh** (2006) Content analysis of the book 'Physical Education (1) book for year one primary school 1379, Research in Sport Sciences, no. 11, pp. 15-28.
- Richardson, L.** (1981) The dynamics of sex and gender, Boston: Houghton Mifflin.
- Riley N E** (1998) 'Research on Gender in Demography: Limitation and Constrains', Population Research and Policy Review, Vol. 17, No. 6, Pp. 521-538.
- Riley and McCarthy** (2003) "Feminist Demography", IN: Demography in the Age of the Postmodern, Cambridge: Cambridge University Press, Pp. 99-119.
- Sadeghi-jafari, Javad** (2008) The study of women's picture in children's literature with focus on social and political changes, Women's Studies, Vol. 6, no. 1, pp. 71-90.
- Safiri, Khadijeh** (2007) "Women and tertiary education", Journal of Faculty of literature and social scienc, no. 56-57, pp. 101-127.
- Samson, A.** (1998) Children voices in Italian textbooks, Roma: University of Roma.
- Sapir, E.** (1929) The status of linguistics as a science, Language, Vol. 5: 207-214.
- Schlenker, J. et al.** (1998) A feminist analysis of Seventeen magazine: content analysis from 1945 to 1995, Sex Roles, Vol. 38, pp. 135-148.
- Sedaghat, Saeid and Zahed, Zahra** (1995) Gender roles in the images of primary school books, Farzaneh Journal, No. 5.
- Sheykhavandi, Davar** (2006) Representation of gender identity the books of social sciences of primary and intermediate schools, Education Quarterly, no. 87, pp. 93-120.
- Sontag, S.** (1977) On Photography, New York: Farrar, straus & Giroux.
- Sugar, J. A. et al.** (2002) Gender biases in Gerontological education, Gernotology& Geriatrics Education, Vol. 22, Issue 4, pp. 43-55.
- Sunderland, J. et al.** (2001) From bias 'in the text' to 'teacher talk around the text': an exploration of teacher discourse and gendered foreign language textbook text, Linguistics and Education, Vol. 11, pp. 251-286.
- Taylor, F.** (2003) Content analysis and gender stereotypes in children's books, Teaching Sociology, Vol. 31, pp. 300-311.
- Watkins, S. C.** (1993) If all we knew about women was what we read in Demography, what we would know, Demography, Vol. 30, No. 4, pp. 551-577.
- Weitzman, L. et al.** (1972) Sex-role socialization in picture books for preschool children, American Journal of Sociology, Vol. 77, pp. 1125-1150.
- Whiteley, P.** (1996) The 'gender fairness' of integrated science textbooks used in Jamaican high schools, International Journal of Science Education, 18 (8): 969-976.
- Yaqubi, Parisa** (1997) "Representation of women in social changes: study of the book of Farsi for year 1 in primary school", Proceodings of Woman and Cultural Development Conference, Tehran: Al-Zahra University, First Edition.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی